

روایت‌های آزاده آزادنی درباره پدرش و پدران‌هایی که تجربه کرده است

اصلا از تو انتظار نداشتم!

● **رهاشیدا/ اگر بگویم جانم به جان پدرش بسته است کم گفته‌ام!** از آن دخترهای بابایی است که زندگی‌اش از همان دوران کودکی با قصه‌های شبانه پدر پیوند خورده و مانند دانه‌ای جوانه زده و ورشده است. آزاده آزادنی، دومین فرزند استاد علی آزادنی است. دختری بابایی که الان هم بعد از ۴۳ سال، هنوز هم وابسته به ریسمان محبت پدر است و نام او را تاج افتخار و آبروی خود می‌داند.

● قصه‌های پدران‌های که به لالایی تبدیل شد

دورترین خاطره‌ای که از رابطه بین خود و پدر به یاد دارم، این بود که هر شب، پس از شنیدن قصه‌هایی که پدرم برای من و خواهرم می‌گفت، به خواب می‌رفتم و شنیدن این قصه‌ها، جایگزین لالایی‌هایی می‌شد که بسیاری از کودکان به هنگام خواب می‌شنوند. قصه‌هایی مانند قصه‌های کلیله و دمنه که برخلاف بسیاری از داستان‌های خیالی والدین، واقعی و حکمت‌آموز بود. کتابی هم در کار نبود و پدر، این قصه‌ها را با مراجعه به حافظه خود می‌گفت. شاید همین قصه‌ها بود که نخستین راه‌ها را برای زندگی آینده من و خواهران و برادرم ترسیم کرد و باعث شد زندگی ما با کتاب عجین شود. میراثی که برای خانواده ما ماندگار شده است. در کنار این، پدر روی ادای درست کلمات نیز به شدت حساس بود. همین موضوع روی فن بیان ما تأثیر زیادی داشته است.

● پدرم را همیشه در حال خواندن و نوشتن می‌دیدم

کمتر تصویری از حضور پدر در خانه به یاد دارم که در حال مطالعه یا نوشتن نباشد. خرید کتاب هم از جمله مهم‌ترین خریدهای منزل بود. هیچ شماره‌ای از مجله کیهان بچه‌ها نبود که برای خانه خریداری نشود و الان

آرشیو کاملی از این مجله در کتابخانه منزل پدر موجود است. اعتقاد دارم فضای خانواده در روند تکامل فرزندان تأثیر زیادی دارد. بحث‌های خانوادگی ما هم همیشه درباره کتاب و نوشتن و فیلم و تئاتر و فضا‌های این‌گونه بوده است. کتاب همیشه نقش مهمی در خانواده ما داشته و همین موضوع به فرزند هفت ساله ام هم منتقل شده است. به شدت به خواندن کتاب علاقه دارد و این تاحدی است که از من خواسته برای کادوی تولدش «شاهنامه» بخرم.

● دوست داشتم کاری برای پدرم انجام دهم

مادرم هم بسیار در تحصیلات ما دقیق بود و سختگیرانه این موضوع را دنبال می‌کرد و شاید مهم‌ترین عامل در موفقیت‌های تحصیلی ما بود. من خط خوش را از مادرم دارم. برخلاف پدرم، مادر هم خودش بسیار خوش خط می‌نویسد و هم پیگیر بود که ما خوش خط بنویسیم. اینکه پدرم خط خوبی نداشت، برای من فرصت خوبی بود که گاهی متن نمایشنامه‌های پدر را برای بازیگران می‌نوشتم و در این کار با مادر همراه می‌شدم. همین بازیگری که پدرم هم در شکل‌گیری شخصیت من تأثیرگذار بود. البته نکته مهم این بود که دوست داشتم کاری برای پدرم انجام دهم. آن زمان مثل الان کپی و این

برنامه هان بود ما چند نسخه دست‌نویس می‌کردیم.

● سخت‌ترین تنبیه: اصلا از تو انتظار نداشتم!

طی ۴۳ سال زندگی به یاد ندارم پدرم من را تنبیه کرده باشد. تنها جمله‌ای که ممکن بود بر زبان بیاورد و برای من از هر تنبیه‌ی سخت‌تر بود، این بود که «اصلا از تو انتظار نداشتم» و پس از آن سکوت می‌کردند که برای من از هر تنبیه‌ی

علی آزادنی، هنرمند پیشکسوت استان، متولد ۵ آذرماه ۱۳۳۲ است که از سال ۱۳۵۳ به حرفه تئاتر روی آورده است. درباره سابقه هنری استاد آزادنی می‌توان به تأسیس و سرپرستی گروه تئاتر کارگر (که بعدها به هدهد هفت هنر تغییر نام داد)، نویسندگی و کارگردانی نمایش‌های مختلف، کسب جوایز متعدد در جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، داوری جشنواره‌های متعدد، بازی در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی و سینمایی اشاره کرد. او برنده بهترین بازیگر نقش اول مرد به خاطر نمایش «خانات» در اولین دوره تئاتر فجر، برنده بهترین نویسنده و کارگردانی به خاطر «نقل تلخ» در هشتمین دوره فجر و «شقایق دره» در نهمین دوره فجر است. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به بازیگری در سریال روایت عشق، فیلم آخرین ملکه زمین و فیلم قطار کودکی اشاره کرد.

آزاده آزادنی، متولد ۱۸ بهمن ۱۳۵۹

است و کارشناسی ارشد مدیریت رسانه دارد. دو سال رادر دوره ابتدایی جهشی خوانده و در شانزده سالگی وارد دانشگاه شده است. او کارمند اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی است و شش عنوان رمان چاپ شده و سه عنوان رمان در دست چاپ دارد. تألیف چند عنوان نمایشنامه که دو عنوان از آن‌ها با کارگردانی پدر به روی صحنه رفته و سومی در حال آماده‌سازی برای اجراست. کسب رتبه‌هایی در جشنواره‌های کشوری از جمله جشنواره تئاتر دینی سال ۱۴۰۱ و راهیابی به بخش غیررقابتی جشنواره فجر، تألیف و ترجمه چندین عنوان مقاله و کتاب برای صداوسیما کشور و... از جمله دیگر فعالیت‌های اوست.

او یک دختر هفت‌ساله به نام سارا دارد که او هم بدون هیچ آموزش مستقیمی از چهار سالگی کتاب می‌خواند و حتی قصه کوتاه هم می‌نویسد.

